

مقایسه روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر (اصلاح برادرانه) در ادیان

اسلام و مسیحیت

محمد زاهدی مقدم*؛ حسین زاهدی مقدم**؛ محمدحسین کرمی ارمی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

چکیده

شناخت روش در به کارگیری تربیت دینی امری حائز اهمیت می باشد که با به کار بستن این روش ها می توان به تربیتی مناسب از حیث معنوی و دینی دست یافت. در موضوع تربیت دینی، اسلام و مسیحیت روش هایی برای تربیت دارند که بهره بردن از این روش ها سبب می شود تا انسان راه های رسیدن به سعادت و قلعه های پیشرفت را به درستی طی نموده و از لغزش ها رهایی یابد. هدف اصلی از به کار گیری روش های تربیتی در دو دین اسلام و مسیحیت دست یافتن متربی به مؤلفه ها و روش های ساحت عبادی و اخلاقی تربیت است. اگر چه زیر ساخت معرفتی اسلام و مسیحیت در به کار گیری از روش های تربیتی با هم متفاوت است اما در این روش ها که اساس و بنیان ابعاد رفتاری و عملی تربیت را تشکیل می دهند، از متربی انتظار می رود که معرفت و شناخت خود را نسبت به پروردگار عالم، دین، احکام و برنامه های آن تحصیل کرده تا بتواند به هدف اصلی که همان قرب الی الله و رسیدن به سعادت و کمال در زندگی دنیا و پس از مرگ است برسد. این پژوهش به مقایسه یکی از مهمترین روشهای تربیت دینی در ساحت عبادی « امر به معروف و نهی از منکر » از نگاه مسیحیت و اسلام به صورت توصیفی و تحلیلی (با هدف روشن شدن برتری اسلام نسبت به دین مسیحیت) پرداخته است. یافته های تحقیق نشان می دهد هر دو دین برای تربیت افراد روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر را ارائه داده اند، با این تفاوت که نگاه اسلام به امر به معروف و نهی از منکر

* دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

** دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

*** دانش آموخته سطح ۱ حوزه علمیه قم.





(بر خلاف مسیحیت) به دلیل اتصال به وحی یعنی آموزه های قرآن و سیره معصومین علیهم السلام علاوه بر جامع تر و کامل تر بودن این روش به مرحله عملیاتی نیز رسیده است و شاید یکی از علت های نقصان در روش تربیتی مسیحیت داخل شدن اندیشه های کشیشان و راهبانی است که با ذهن بشری آن را سامان داده اند. به هر حال بررسی تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر در دو دین اسلام و مسیحیت نشان می دهد که نیل به یک الگوی تربیت دینی مشترک، خواهد توانست راه را برای تفاهم و وحدت بیشتر جوامع مسلمان و مسیحی باز نموده و مبنایی برای الهام نحوه تربیت دینی جوامع مذکور فراهم سازد.

کلیدواژگان: روش تربیتی، امر به معروف و نهی از منکر، دین، اسلام، مسیحیت.

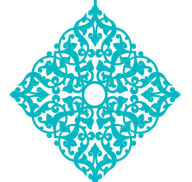
۱- مقدمه

در موضوع تربیت دینی، اسلام و مسیحیت روش‌هایی برای تربیت دارند که مقایسه این روش‌ها آثار و نتایجی را در بردارد از جمله: اتقان، جامعیت و ... بهره بردن از روش‌ها در تربیت دینی سبب می‌شود تا انسان راه‌های رسیدن به سعادت و قلعه‌های پیشرفت را به درستی طی نموده و از لغزش‌ها رهایی یابد. چنان‌که امام رضا (علیه‌السلام) در بیانی زیبا زوایای این موضوع را روشن کرده و فرمودند: «هر کس در پی کاری از راه و روش درست آن استفاده نماید، هرگز نمی‌لغزد و اگر در این راه دچار لغزش شود راهکار رهایی از آن را خواهد یافت.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۸۵: ج ۷۱، ص ۳۴۰)

برای روشن‌تر شدن مفهوم روش تربیت دینی باید مراد از تربیت، دین و تربیت دینی در این پژوهش مشخص شود. مراد ما از تربیت، «فراهم کردن زمینه‌هایی است برای این‌که استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ص ۲۸). مقصود از دین در این نوشتار «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.» (جوادی آملی، دین‌شناسی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). بنابر این مراد از تربیت دینی در این پژوهش: مجموعه‌ای است از تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد، ابقا، اكمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌گردند.

نکته حائز اهمیت دیگر روشن کردن این مسأله است که مراد ما از روش تربیتی در ساحت عبادی چیست؟ به بیانی دیگر آیا می‌شود به امر به معروف و نهی از منکر که تکلیف شمرده می‌شوند روش گفت؟

در جواب این سؤال باید گفت روش تربیتی آن اقدامی است که مربی انجام می‌دهد که در اثر آن اقدام تربیتی این تکالیف متوجه مربی شده است و آن اقدام تربیتی در اینجا فریضه‌سازی است از این جهت، فریضه کردن امر به معروف و نهی از منکر یک روش تربیتی به حساب می‌آید یعنی یک مربی وقتی روش تربیتی فریضه‌سازی را اجرا می‌کند و تکلیفی را می‌سازد فرد را وادار به یک وظیفه می‌کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از تکالیفی است که بر عهده مکلف است و آنچیزی که به عنوان روش می‌شود به





حساب آورد الزام سازی امر به معروف و نهی از منکر است یعنی مربی، متربی را وادار به انجام امر به معروف و نهی از منکر می کند.

واژه «دین» لفظ مشترک آریائی و سامی است، محققان، لفظ دین را در آثار سه قوم آرامی (جوهری فارابی، ۳۹۳ق: الصحاح تاج اللغة، ج ۲) عرب (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۱۶۵) و زرتشتیان (مشکور، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، ۱۳۸۰: ص ۵) دیده اند. این واژه در لغت به معنای گوناگون از جمله، جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است. (علیزاده، حیات تعقلی اسلام، ۱۳۷۱: ص ۶۶، ۷۰ و ۷۲) در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آنها معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می شود. (حمد: ۴؛ حج: ۷۸؛ آل عمران: ۱۸ و ۸۵؛ غافر: ۱۴)

۱۰۱

در مورد دین، تعاریف مختلفی ارائه شده است از قبیل: ۱- مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد؛ (جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، ۱۳۷۲: ص ۹۵-۹۳) ۲- مجموعه‌ای از عقاید - اخلاقیات - احکام و قوانین فردی و اجتماعی اطلاق می شود و ادیان آسمانی آیین‌هایی هستند که از طرف خدای متعال به پیغمبران وحی شده‌اند؛ (مصباح، ایدئولوژی تطبیقی، ۱۳۶۱: ص ۱۳) ۳- نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی بهم پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبرن وحی شده است تا مردم را بر آن اساس، ارشاد و راهنمایی نمایند. (باهنر، معارف اسلامی، ۱۳۶۸: ص ۷۰) بررسی تعاریف، بحث مفصلی را می طلبد؛ اما می توان ویژگی‌هایی را نام برد که مقبول همگان است. دین در اصل بر مجموعه گزاره های خاص منطبق است و برای اشخاص معتقد به آن به صورت مجموعه اعتقادات احساسات و اعمال خاص تحقق میابد. (مشکور، خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ، ۱۳۸۰: ص ۵)

واژه «امر به معروف و نهی از منکر» «معروف» از ماده «عَرَفَ» و به معنای «شناخته شده به عنوان خوبی» است. (بستانی، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی، ۱۳۷۶: ص ۷۸۴) به بیان دیگر، فعلی است که با عقل، شرع و اصل اخلاقی رایج در جامعه مغایرت نداشته باشد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۳۳۱) و «منکر» به معنای

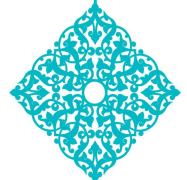
«ناشناخته» (بستانی، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی- فارسی، ۱۳۷۶: ص ۹۶). «زشت و بد» توصیف شده و عبارت است از فعلی که عقول صحیح و شرع به زشتی و قبح آن حکم نمایند. (همان، ص ۵۰۵).

شیخ صدوق (ره) در توضیح مفهوم امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:
امر به معروف، واداشتن دیگران به پیروی از اوامر خداوند و نهی از منکر، مانع شدن از انجام گناهان به صورت زبانی یا عملی است. (ابن بابویه قمی، الخصال، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۱۳۷).

اهل لغت درباره معنای لغوی «اسلام» و مشتقات آن مطالب فراوانی ذکر کرده اند اسلام در زبان عربی از ریشه «س-ل-م» است و معنی لغوی این ریشه «سالم شدن» و «رهایی یافتن از آفات» است. (ابراهیم انیس، معجم الوسیط؛ مدخل = سَلِمَ. خلیل محمود عساکر، مجمع اللغة العربیة. ابن منظور، لسان العرب؛ مدخل = سلم. معجم الوسیط؛ مدخل = أَسْلَمَ، حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ مدخل = سلم.) واژه «سلام» نیز مشتق شده از همین ریشه است. (خلیل محمود عساکر، معجم الوسیط؛ مدخل = أَسْلَمَ، حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ مدخل = سلم.)

با توجه به معنی اسلام، «مُسْلِم» «در فارسی: مسلمان» یعنی کسی که خدا را خالصانه و بی ریا می پرستد و اختیار خود را تسلیم امر و نهی او می کند. (باقری، سرشت واحد ادیان، ۱۳۸۶: شماره ۲۳).

تمام ساخت های این کلمه از ریشه (س ل م) مشتق شده اند، هر کدام به گونه ای در زمینه معنا شناختی با لغت اسلام و مفهوم آن ارتباط می یابند، ابن فارس واژه اسلام را از «سلم» به معنای درستی و تندرستی و آسایش می داند. سلامه نیز به معنای ایمنی از آفت آزار است. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۳ق: ج ۳ ص ۶۸). راغب اصفهانی اسلام را از ریشه (س ل م) به معنای تسلیم شدن و فرمانبردار بودن دانسته است. او در رابطه با معنای اسلام می نویسد: «السُّلْمُ و السَّلَامَةُ: التَّعَرُّیُّ مِنَ الْآفَاتِ الظَّاهِرَةِ وَ الْبَاطِنَةِ.» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲ق: ص ۴۲۲). او همچنین اسلام را به معنای گردن نهادن و مطیع بودن دانسته است (همان ص ۸۸) صاحب کشف اصطلاحات الفنون اسلام





را در لغت به معنای اطاعت و سر و گوش فرمان نهادن آورده است و در شرع آن را بر انقیاد به اعمال ظاهر اطلاق کرده است. (تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ۱۹۹۶: واژه اسلام).

لغت شناسان اسلام را در لغت با کلماتی همچون «انقیاد» و «استسلام» هم معنا می‌دانند (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰ق: ج ۷ ص ۲۶۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲ ص ۲۹۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۳ق: ج ۳ ص ۶۸).

انقیاد از ریشه قود است و قود در لغت نقیض «السوق» است. سوق در اصل راندن حیوان از پس قود راندن و حرکت دادن آن از پیش است. قائد نیز کسی است که از پیش گروهی را حرکت می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۳ ص ۳۶۹، فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۵ ص ۱۹۶). انقیاد از باب انفعال، پذیرش قیادت دیگری است، به همین جهت در کتاب‌های لغت به «خضوع» معنی شده است (همان)، بنابر این انقیاد، خضوع و پذیرش اطاعت دیگری است. استسلام نیز از همان ریشه «سلم»، ولی از باب استفعال، به معنای خضوع و منقاد بودن است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ج ۶ ص ۸۴).

در نتیجه می‌توان چنین تبیین و تعریف نمود که: اسلام اگرچه در لغت به معنای انقیاد و تسلیم در برابر خداست، اما در عرف قرآن، تنها دینی است که از سوی خدای متعال به وسیله همه پیامبران الهی برای بشر به ارمغان آورده شده است. گوهر این دین چیزی جز تسلیم نیست؛ تسلیمی که جز با پذیرش رسالت همه پیامبران، به ویژه خاتم آنان - (صلوات الله علیهم اجمعین) - تحقق نیافته و سخن گفتن از «تسلیم» بدون ایمان داشتن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) ادعایی است مخالف آیات قرآن کریم.

«مسیحیت» از بزرگترین ادیان زنده جهان است که در یک نوع تقسیم بندی در شاخه ادیان غربی یا ادیان سامی می‌گنجد، این دین با دو دین هم خانواده اش (یهودیت و اسلام) به واسطه این که اصل خود را به ابراهیم خلیل برمی‌گردانند، از ادیان ابراهیمی شمرده می‌شوند. (ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی ۱۳۷۵: ص ۴۷).

مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام را «Christian» به معنای مسیح، و یونانی زبانان «Christos» می‌خوانند.

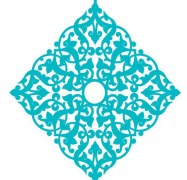
مسیح لقب حضرت عیسی (علیه السلام) است که به قولی به معنی «دوست و بسیار پیمایش کننده ی زمین» است. (جیمز هاکس، قاموس کتاب مقدس، ۱۳۷۷: واژه مسیح). در قاموس کتاب مقدس آمده است: عیسی علیه السلام ملقب به مسیح است زیرا برای خدمت به خدا معین و قرار داده شده است. (فرهنگ اسم ها، واژه مسیح). و به لحاظ اینکه حضرت عیسی علیه السلام برای هدایت مردم بسیار مسافرت می کرد مسیح نامیده شد.

در نقلی دیگر: «مسیح»، معرب واژه عبری «ماشیح» به معنای «مسح شده با روغن» آمده است. (لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۴ واژه مسیح). «ماشیح» در دین یهود، اصطلاحاً به هر حاکمی گفته می شود که از سوی خداوند و یا یکی از پیامبران الهی انتخاب شده باشد. چنان که داوود (علیه السلام) که خود یک ماشیح بود، بارها از فرماندهان خود به مسیح «یهوه» (حاکم یا فرمانده الهی) یاد کرده است. (اول سموئیل، ص ۱۴ - ۱۶)

در مورد جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آموزهای اسلامی و مسیحی در کتب متعدد مباحث ارزشمندی ارائه شده است. در این پژوهش، سعی بر آن بوده که مساله به صورتی مستقل، منسجم و با تبیین اصول برگرفته از قرآن و حدیث و منابع اصیل مسیحیت مورد بررسی قرار گیرد که به نوبه خود کاری نو بشمار می رود.

۲- امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه اسلام

یکی از مهمترین روش های تربیتی در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. در نگاه اسلام امر به معروف یعنی واداشتن دیگران به پیروی از اوامر خداوند و نهی از منکر یعنی: مانع شدن از انجام گناهان به صورت زبانی یا عملی است. (ابن بابویه قمی، الخصال ۱۴۱۶: ص ۱۳۷). از نگاه اسلام قلمرو امر به معروف و نهی از منکر محدود به امور عبادی و یا اخلاقی نمی شود، بلکه شامل کلیه برنامه های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و معنوی می شود. اسلام بر خلاف مسیحیت و سایر ادیان الهی دامنه این جهاد فرهنگی را گسترده و ابعاد آن مصادیق زیادی را در این فریضه الهی شامل می شود چنان که علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه ۱۵۷ سوره اعراف به این اشاره و می فرماید:





«دین اسلام تنها دینی است که روح زندگی و حیات را در پیکر امر به معروف و نهی از منکر دمیده است و این فریضه، از دعوت ساده شروع می‌شود و تا جهاد در راه خدا با مال و جان پیش می‌رود.» (طباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ۱۴۱۱ق: ج ۸، صص ۲۸۰-۲۸۱).

پیاپی شدن این فریضه الهی به عنوان یک روش اصلاح‌گرای، می‌تواند نقش به‌سزایی را در سالم‌سازی و تأمین امنیت جامعه، تحکیم عدالت اجتماعی، تهذیب و تربیت دینی مردم به دنبال داشته باشد. این روش الهی برای اصلاح امور اجتماعی مورد عنایت ویژه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته و این دو فریضه الهی را از ویژگی‌های مهم پیامبر و اولیای الهی و وظیفه همگانی و از نشانه‌های حکومت اسلامی شمرده است (اعراف / ۱۵۷؛ آل عمران / ۱۱۴؛ توبه / ۷۱ و ۱۱۲؛ حج / ۴۱).

تمام این اهداف زمانی عملیاتی می‌شود که از این روش به درستی استفاده شود و آن را با تمام شرایط و آداب خود انجام گیرد. در این روش تربیتی ابتدا جنبه‌های مثبت، بیان و تقویت می‌شود، سپس جنبه‌های منفی طرد می‌گردد یعنی از طریق تقویت نقاط مثبت افراد، می‌توان نقاط ضعف را برطرف نمود. بنابر این اگر تنها جنبه‌های مثبت یا فقط جنبه‌های منفی یا فقط بیان جنبه‌های منفی و سپس جنبه‌های مثبت بیان شود، این روش نمی‌تواند روش تربیتی مناسبی شمرده شود، بلکه چه بسا ممکن است آثار سوء تربیتی نیز به دنبال داشته باشند.

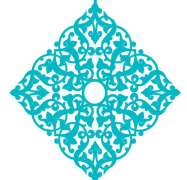
این روش تربیتی که از نگاه اسلام بسیار دارای اهمیت و از ضروریات آن شمرده می‌شود در آیات و روایات بازتاب زیادی داشته و آثار فراوانی برای آن متذکر شده و حاکی از ضرورت پیاپی شدن این فریضه الهی در جامعه به عنوان یک روش اصلاح‌گرایانه دارد.

در آینه آیات و روایات برای این دو فریضه، آثار تربیتی فراوانی بیان شده؛ در نقطه مقابل نیز، از ترک آن بر حذر داشته و هشدارهای شدیدی را مطرح نموده‌اند. بدون تردید ترک این دو فریضه الهی موجب تسلط اشرار؛ فساد جامعه؛ ضعف ایمان؛ عدم استجابت دعا؛ به جنگ با خدا رفتن؛ دوری از رحمت الهی؛ عذاب فراگیر و همگانی؛ دخالت و

سلطه بیگانگان؛ عدم امکان مجاورت و هم‌نشینی با خداوند؛ نشانه عدم پیروی از اهل بیت و رفتن به دنبال ناهلان؛ بی‌خاصیتی و ورود در دایره ارواح مرده خواهد شد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ همان ج ۱۱، صص ۳۹۶-۳۹۷؛ کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۷: ج ۵ ص ۵۹؛ حر عاملی، ج ۱۶ ص ۱۲۲؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۳؛ ابن بابویه، معانی الخیار، ۱۳۶۱: ص ۲۵۲؛ بحرانی، جلد ۲، صفحه ۴۱۹؛ نهج البلاغه خطبه ۱۹۲؛ مجلسی، ج ۹۷، ص ۹۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱: ص ۲۷۱؛ مجلسی، ج ۹۰، ص ۳۷۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹؛ آملی، غررالحکم، ج ۱، ص ۲۸۶، شماره ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۱۳۲).

در نقطه مقابل، انجام این دو فریضه الهی از نشانه‌های مؤمن شمرده شده و آثاری همچون؛ عدم مرگ ناگهانی؛ عدم تسلط بدخواهان؛ عدم قطع شدن رزق؛ محکم شدن کمر مؤمن و به خاک مالیده شدن بینی فاسق؛ نجات یافتگان پاکیزگی کسب و کار؛ برپایی فرایض و واجبات؛ سلامت دنیا و آخرت؛ عزت دنیا و آخرت جلوگیری از انحراف دستگاه‌های حکومتی [۱] حلال شدن درآمدها؛ تحقق و گسترش اخلاق الهی در جامعه بشری را به دنبال دارد. (ابن قیس هلالی، اسرار آل محمد (ص)، ۱۳۹۱: ص ۵۴۲؛ کوفی اهوازی، ترجمه الزهد، ۱۳۸۷: ص ۲۵۰؛ کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۳۷۵؛ ابن قیس، ترجمه الزهد ص ۲۵۰؛ آملی، غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۸؛ کلینی، جلد ۵، صفحه ۵۶؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۲: ص ۲۳۷، حر عاملی، ج ۱۶، ص ۱۳۰؛ نوری، ج ۱۲، ص ۲۰۷، مفید، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۱۱۸؛ نوری، مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۸۱. کلینی، ج ۹ ص ۴۹۲ و ج ۵، ص ۵۹؛ مجلسی، ج ۹۷، ص ۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲ ص ۲۴۰).

این جامع‌نگری اسلام به تمام زوایای زندگی انسان حاکی از اهمیت دین به مقوله تربیت و سعادت دنیوی و اخروی جامعه بشری است. در این میان مقوله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ضروریات دین حکمی بازداننده در جلوگیری از فساد جامعه و روشی اصلاح‌گر برای حرکت جامعه به سوی سعادت و کمال است. گسترش





و همگانی شدن این دو فریضه الهی در جوامع بشری می‌تواند تا حدود زیادی از جنایت، گناه، حق سوزی و ظلم بکاهد و جامعه را از امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی برخوردار نماید. البته نباید فراموش شود که در این دو فریضه امر به معروف و ناهی از منکر برای تأثیرگذاری هر چه بهتر این روش باید شرایط آن را رعایت نموده و بیشتر با محبت این امر را عملیاتی کند. در جایی که انجام این دو فریضه تأثیر ندارد یا از جان خود در امان نیست باید این قسم را به عهده حاکمیت و حکومت گذاشت تا در مقابل هنجارشکنان و اشرار ایستاده و به اشد مجازات با آنان برخورد نمایند.

بنابر این اسلام برخلاف مسیحیت نه تنها می‌خواهد سلامت جسم و غذا و محیط پاکیزه را با این دو فریضه تضمین کند، بلکه می‌خواهد جامعه را از اعمال ناپسند و منکرات پاک کند و از آلودگی اذهان که باعث تشویش ایمان و فساد مردم می‌شود، جلوگیری کند.

۳- اصلاح برادرانه در مسیحیت

همواره هدف از بعث انبیای الهی اصلاح جامعه بشری بوده است و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف «امر به معروف و نهی از منکر» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از این دو روش در ادیان گذشته از جمله مسیحیت واجب بوده است چنان که جمعی از ربانیون (دانشمندان مسیحی) و احبار (دانشمندان یهودی) که از گفتار گناه‌آلود و خوردن حرام نهی نمی‌کردند، نکوهش شده‌اند. (مائده؛ ۶۳، ۷۸، ۷۹).

با بررسی متون مسیحیت که امروزه در دسترس قرار دارد می‌توان دریافت که فریضه امر به معروف و نهی از منکر در تعالیم انبیای الهی وجود داشته است. (همان) برخی از صاحب نظران معتقدند سرزنش افراد به خاطر گناهی که مرتکب می‌شدند، یک رسم کهن مسیحی است و در کتاب مقدس پایه و اساس محکمی دارد. (انجیل متی فصل ۱۸ آیات ۱۵ - ۱۸).

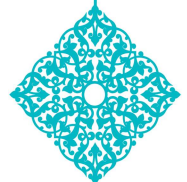
مایکل کوک در کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی می‌نویسد: یهودیت و اسلام در اعتقاد به این الزام (امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها) تنها نبودند بلکه این تکلیف توسط غرب لاتین نیز شناخته شده بود، طوری که به آن نظم و انضباط

برادرانه (fraterna correctio) می گفتند. (مایکل کوک ، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فی الفكر الاسلامی مترجم دکتر رضوان سید، ص ۷۹۷).

در تحلیل انضباط برادرانه در کتاب الهیات مسیحی از توماس آکویناس آمده است :
نظم و انضباط برادرانه یک فریضه است (in praecepto) است (Aquinas,)
۲. Art. ۲۷۶f. p. ۳۴, Summa Theologiae, vol. ۳۴) اما ماهیت مطلق ندارد، مسیحیان
نباید آن را بدون توجه به زمان و مکان انجام دهند (همان ص ۲۸۰ بند ۲) و ما نباید خود
را جاسوس [یا ناظر] زندگی دیگران قرار دهیم (همان ص ۲۸۲ بند ۲).

اصلاح گناهکار به وسیله موعظه کردن (admonitio) یک وظیفه ای است که عشق
و احساس مسئولیت به همه افراد حکم می کند این تکلیف صورت پذیرد خواه موعظه
شونده از افراد درجه پایین جامعه باشد یا بالاتر به جا آوردن این تکلیف نسبت به افراد
دارای منصب و مقام واجب تر است. افراد پایین جامعه در صورت بروز خطا و اشتباه
مقامات و مسئولین می توانند به منظور اصلاح، آنها را امر به معروف و نهی از منکر کنند
مشروط بر اینکه این کار را مخفیانه انجام دهند، نه بی ادبانه و بی رحمانه، بلکه با ملامت
و احترام (Thomas Aquinas. Summa Theological, vol. ۴, pp. ۲۸۴-۲۸۸.)
و اگر به احتمال زیاد تصور شود که موعظه پذیرفته نمی شود بهتر است انضباط برادرانه
انجام نشود (همان منبع، ص ۲۲. ۲۹۵ بند ۶).

ضابطه امر به معروف و نهی از منکر باید از یک نظم برادرانه برخوردار باشد و یک
مسیحی نباید آن را بدون توجه به زمان و مکان انجام دهد. توماس آکویناس (Aquinas
۹۹ and ۴۹, pp. ۲۰۰۷) پس از بیان و تحلیل انضباط برادرانه که آن را یک فریضه
الهی (Aquinas, Theologiae, vol. ۳۴, p. ۲۷۶) شمرده می گوید: «مسیحیان نباید
آن را بدون توجه به زمان و مکان انجام دهند (همان، ص ۲۸۰ بند ۲) و ما نباید خود را
جاسوس [یا ناظر] زندگی دیگران قرار دهیم.» (همان، ص ۲۸۲ بند ۲). در اندیشه مسیحی
فرد گناهکار باید به وسیله موعظه اصلاح شود و این موعظه نمودن به فرد گناهکار، وظیفه
و تکلیف همگانی است که بر عهده تک تک افراد جامعه واجب است. این تفکر همگانی
موجب می شود تا افراد درجه پایین جامعه نیز بتوانند مسئولان و صاحبان منصب را در





صورت خطا و اشتباه مخفیانه امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ همان‌طور که صاحب منصبان در صورت اشتباه افراد پایین جامعه موظف هستند آنها را نهی از زشتی‌ها و دعوت به خوبی‌ها کنند. در این دعوت به خوبی یا نهی از بدی، فرد باید ادب را رعایت نماید (Aquinas, Theological, vol. ۳۴, pp. ۲۸۴-۲۸۸) و در صورت احتمال بر بی تأثیری این دعوت بهتر است انضباط برادرانه انجام نشود. (همان ص ۲۹ بند ۶)

در ادامه شرایط اصلاح برادرانه از نگاه کتاب مقدس مورد بررسی قرار می‌گیرد:

با مراجعه به کتاب مقدس می‌توان اهمیت این فریضه را در میان جامعه مسیحیت به خوبی درک کرد. در آیه ای از کتاب مقدس اصلاح را به همراه توبیخ ملاک قرار داده است: «آنانی را که گناه می‌کنند، پیش همه توبیخ فرما تا دیگران بترسند.» (اول تیموتائوس فصل ۵ آیه ۲۰، ترجمه قدیم) در آیه دیگری اصلاح فرد و بازگرداندن او را به سوی حقیقت، مساوی با آمرزش گناهان شخص معروف کننده شمرده است. (رساله یعقوب فصل ۵ آیات ۱۹ - ۲۰ (ترجمه تفسیری)) در آیه ای نیز از تذکر و هشدار پی‌درپی فرد گنهکار تا دو مرتبه سخن به میان آورده است که در صورت بی اثر بودن باید فرد خطاکننده را به حال خود رها کند چرا که فرد در گناه خود غوطه است. (رساله تیطس فصل ۳ آیات ۱۰ - ۱۱. (ترجمه تفسیری)) در کتاب انجیل، فریضه امر به معروف و نهی از منکر همانند لوح ده گانه موسی در عهد عتیق، در قالب ده فرمان مطرح شده است. (انجیل متی فصل ۱۸ آیات ۶ - ۹ و آیات ۱۵ - ۳۵.) (مقالات فی الاخلاق و الحیاء المسیحیه، المطران کیرلیس سلیم بسترس www.annahar.com) بخشی از این فرامین ده گانه که در کلامی از حضرت عیسی علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر به فردی بازتاب داده شده عبارتند از: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دارد» حضرت در جای دیگر به شاگردان خود می‌فرماید: «مانند کسانی نباشید که مردم را پند می‌دهند اما خود عمل نمی‌کنند؛ بلکه همواره در امر و نهی کردن به مردم، خود پیشگام باشند، آن‌گاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرد و گفت: کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته اند، پس آنچه به شما گویند نگاه دارید و به جا آورید (عمل کنید)؛ لیکن

مثل اعمال ایشان مکنید؛ زیرا (ایشان) می گویند و نمی کنند.» این سفارش عیسی علیه السلام بیشتر ناظر به امر به خوبی و نهی از زشتی ها در قالب نصیحت و موعظه بوده است و جنبه خشونت در این مواعظ وجود ندارد. البته در این اندیشه کلیسایی و مسیحی فرد امر کننده یا نهی کننده باید مقدمات آن را رعایت کند؛ ابتدا برادرانه و در قالب موعظه و پنهانی باشد؛ اگر گوش فرا نداد، در مرحله دوم با دو سه نفر دیگر برای بار دوم او را از زبان آنها امر و نهی کند؛ اگر این مرحله هم تأثیر نگذاشت باید به کلیسا و راهبان مسیحی گزارش داد و اگر فرد در این مرحله کلیسا و نصایح آنها را نپذیرفت این فرد حکم فردی خارجی و باجگیر را دارد. (همان آیات ۱۵ - ۱۷).

۴- شرایط امر به معروف و نهی از منکر مسیحیت

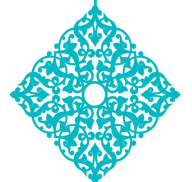
از نگاه مسیحیت فردی که می خواهد فردی را اصلاح کند باید ۵ شرط را رعایت و برای او محقق شود:

یک. شخص نهی کننده باید ببیند که گناه کبیره توسط دیگری در حال انجام است یا احتمال گناه کردن را بدهد.

دو. باید احتمال زیادی وجود داشته باشد که گناهکار به ابتکار خود یا به توصیه شخص ثالث اصلاح نکند.

سه. باید احتمال خوبی وجود داشته باشد که مجرم به تصحیح گوش دهد و رفتار خود را با آن مطابقت دهد. گاهی اوقات دلیلی برای ترس از این وجود دارد که یک اصلاح بیشتر از اینکه مفید باشد ضرر داشته باشد.

چهار. شخصی که قصد انجام اصلاحیه را دارد باید پیش بینی کند که آسیب جدی به او وارد نخواهد شد. به عنوان مثال، اگر دلیلی برای ترس از اینکه اصلاح شده در اثر تذکر خوش نیت او، او را تحقیر کند یا صدمه جسمی به او وارد کند، اجباری به انجام آن ندارد. زیرا اصلاح برادری، صدقه ای است که شخص را در صورتی که ممکن است باعث ناراحتی جدی برای او شود، مقید نمی کند.





پنج. شرایط زمان، مکان و غیره، باید برای اداره اصلاح مطلوب باشد. بنابراین، عاقلانه نیست که وقتی شخصی در حالت عصبانیت است به او پند داد. (جوزف آ. کاستلو، وجوب اخلاقی اصلاح برادری، ۱۹۴۹، ص ۱۳۴).

مراجعه به متون دینی مسیحیت نشان می‌دهد امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها یکی از روش‌های تربیتی در دین مسیحیت می‌باشد، هرچند این شیوه در مسیحیت امروزی وجود ندارد اما اصل این روش در کتب دینی آنها وجود دارد و حاکی از این است که به کارگیری این روش، می‌تواند آثار تربیتی فردی و اجتماعی چشمگیری را برای جامعه مسیحی در پی داشته باشد. از جمله مهمترین آثار اصلاح برادرانه می‌توان به مواردی همچون؛ تربیت انسان، جلوگیری از فساد و اصلاح فرد و جامعه، موجب سلامت دنیا و آخرت، پابرجایی شریعت و توانمندی مومنان و ... اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

از بررسی تطبیقی بین روش‌های مسیحیت و اسلام این نتیجه به دست می‌آید که هر دو دین برای رسیدن انسان به سعادت و کمال از روش‌های تربیتی بیشماری برخوردار هستند به طوری که این روش‌ها را می‌توان در ساحات عبادی و اخلاقی و اعتقادی مورد بررسی قرار داد و در این پژوهش یکی از این روشها در ساحات عبادی (امر به معروف و نهی از منکر)، مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که در به کارگیری از این روش دین اسلام نسبت به دین مسیحیت از جامعیت و کامل بودن برخوردار است. از مطالبی که در تحقیق مطرح گردیده است نتایج و دست‌آوردهایی را می‌توان یادآور شد.

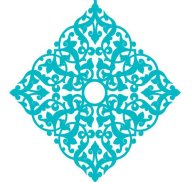
۱. بدون شک مباحث اخلاقی و عبادی یکی از بخش‌های اصلی هر دو دین الهی، یعنی اسلام و مسیحیت است و با توجه به ریشه مشترک هر دو دین، می‌توان گفت وجوه تشابه متعددی بین روش‌های تربیتی با ساحات عبادی و اخلاقی آنها وجود دارد که می‌توان با مراجعه به کتب مقدس آنها و نیز با مراجعه به مکاتب و مباحث عبادی و اخلاقی عالمان این دین‌ها به آن تشابهات و نیز تمایزات دست یافت. گرچه دین اسلام به دلیل اتصالش به وحی (که همان منابع قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام است) با ادیان

دیگر از جمله مسیحیت قابل مقایسه نیست اما می شود گفت برخی از روش های تربیتی دین مسیحیت همانند اسلام است ولی وسعت روش های تربیت دینی اسلام از دین مسیحیت به مراتب بیشتر است.

۲. هدف از به کار بردن روش های تربیتی در اسلام و مسیحیت پرورش دینی و اخلاقی و استعداد های انسان و به دنبال آن رساندن انسان به کمال و سعادت حقیقی است به طوری که هر دو دین همه جنبه های تربیت دینی در ساحات عبادی، اخلاقی، فردی و جمعی را مورد نظر قرار می دهند.

۳. با رجوع به منابع اسلامی و مسیحی می توان نتیجه گرفت که امر به معروف و نهی از منکر [اصلاح برادرانه] در ادیان الهی و آسمانی اسلام و مسیحیت وجود داشته است و این عبادت مشترک گرچه در مواردی از نظر قالب و شکل، فرق های قابل توجهی دارند، اما کلیت آن ها مورد قبول هر دو دین الهی است و با وجود اختلاف در ظاهر و شکل این عبادت، در دو دین چه در زمان پیامبران آن ها و چه در زمان کنونی، باید گفت که می توان آن ها را دارای روح و جوهر واحد دانست.

۶. با تأمل در داده های روایی و قرآنی می توان گفت؛ پیروان دین مسیحیت در زمان کنونی، به این عبادت و تکلیف الهی به نحو شایسته عمل نمی کنند؛ و تنها پیروان دین کامل و جامع اسلام، به این موضوع آن طور می پردازند که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند بیان کرده است؛ لیکن غیر از مسلمانان، پیروان سایر ادیان آسمانی، پس از رحلت پیامبرانشان این فریضه الهی را ترک نموده و آن را ضایع کرده اند، از همین جا می توان به عدم تحریف اسلام و برتری آن نسبت به دیگر ادیان پی برد که پس از گذشت حدود هزار و چهارصد سال از آن، دستورات آن همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند آورده، ثابت و بدون تغییر باقی مانده است.

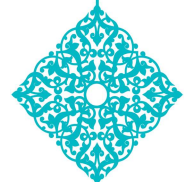


فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. نرم افزار مزده - مخصوص کتاب مقدس.
 ۲. ابراهیم انیس، عبدالحلیم، «معجم الوسیط» مترجم: محمد بندر ریگی ج اول، چاپ دوم، نشر اسلامی، ۱۳۹۲.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، «تحف العقول»، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ اول، انتشارات آل علی علیه السلام، قم، ۱۳۸۲.
 ۴. ابن فارس، احمد، «معجم مقاییس اللغة»، بتحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، قم، مکتب الاعلام اسلامی، چاپ اول. ۱۳۸۹ ق.
 ۵. ابن قیس هلمالی، سلیم، «اسرار آل محمد علیهم السلام» / ترجمه کتاب سلیم، مترجم اسماعیل انصاری زنجانی، نشر دلیل ما، ۱۳۹۱.
 ۶. ابن منظور، ۱۴۱۴ق، «لسان العرب»، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۷. ابن حماد جوهری فارابی، اسماعیل (۳۹۳ق)؛ ، «الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة»، تحقیق أحمد عبد الغفور عطار دار العلم للملایین، بیروت - لبنان؛ (الطبعة الرابعة) ۱۴۰۷ق، ۱۹۸۷ م.
 ۸. ابن میثم بحرانی، میثم ابن علی، «شرح نهج البلاغه»، مترجم: محمدصادق عارف، ج ۵، چاپ اول، نشر مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی - ۱۳۷۵.
 ۹. آمدی، ابوالفتح، «غرر الحکم و درر الکلم»، شارح: آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۶۶.
 ۱۰. بستانی، فؤاد افرام، «فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی» (ترجمه کامل المنجد اللابجدی)، مترجم: رضا مهیار، چاپ دوم، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۷۶.



۱۱. باقری، ماجد، «مقاله سرشت واحد ادیان به روایت کلام آسمانی» (تجلی دین واحده در شرایع متعدد)، اخبار ادیان تابستان ۱۳۸۶ شماره ۲۳ (۸ صفحه - از ۷۳ تا ۸۰).
۱۲. باهنر، محمدجواد، «معارف اسلامی»، چاپ سوم، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۳. بحرانی، سیدهاشم، «البرهان فی تفسیر القرآن»، جلد ۲، چاپ اول، ذوی القربی، ۱۳۹۱.
۱۴. تهانوی، محمد علی بن علی، علی دجروج، «کشاف اصطلاحات الفنون»، مترجمان: خالدی، عبدالله، زیناتی، جورج، علی دجروج، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت - لبنان سال نشر ۱۹۹۶ م چاپ اول.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، «دین شناسی»، چاپ ششم، اسراء، ۱۳۹۰.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، «شریعت در آینه معرفت»، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۱۷. جمیز هاکس آمریکایی، «قاموس کتاب مقدس»، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۸. حر عاملی، محمدبن حسن، «وسائل الشیعه»، چاپ ششم، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۷۴.
۱۹. حسینی زبیدی، سید مرتضی، «تاج العروس من جواهر القاموس»؛ دار احیاء التراث العربی بیروت، لبنان. ۱۹۸۶ صفحه اختصاصی تاج العروس
۲۰. خلیل ابن احمد فراهیدی، «العین»، محقق: سامرائی، ابراهیم، چاپ دوم، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۲۱. دیکشنری آبادیس، فرهنگ اسم ها. (مراجعه به سایت آبادیس).
۲۲. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن»، (مصحح) داوودی، صفوان عدنان چاپ اول، ناشر دار الشامیه مکان نشر: بیروت - لبنان دارالقلم، سال نشر ۱۴۱۲ ق یا ۱۹۹۲ م.





۲۴. ساروخانی، باقر، «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول، مبانی»، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۲۵. صدوق، ابو جعفر محمدبن علی بن الحسین بابویه قمی؛ «معانی الاخبار»، مصحح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم - ایران، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۴۱۶ ق، «الخصال»، ج ۲، چاپ اول، قم - ایران ۱۳۸۹.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، الاعمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، «مجمع‌البحرین»، مترجم: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۲۹. عساکر، خلیل محمود، «مجمع اللغة العربیة» بالقاهرة (مصر) سنة ۱۹۵۵.
۳۰. عزیزاده، بیوک، «حیات تعقلی اسلام»، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
۳۱. فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی، «ترجمه و شرح نهج البلاغه» (فیض الاسلام)، تهران - ایران، سازمان چاپ و انتشارات فقیه (تالیفات فیض الاسلام)، ۱۳۶۸.
۳۲. کربلایی پازوکی، علی، «امربه معروف و نهی از منکر از منظر تفاسیر المیزان و مفتاح الغیب»، اندیشه علامه طباطبائی (ره) سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، «اصول کافی»، چاپ دوم، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۷.
۳۴. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (قرن ۳ ق)، «ترجمه الزهد»، مترجم: عبدالله صالحی، قم، نورالسجاد، ۱۳۸۷.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، چاپ هفتم، المکتبه الاسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
۳۶. محمد بن محمد (شیخ مفید)، «الأمالی للمفید»، ج ۱، چاپ اول، قم - ایران، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۳ ق.

۳۷. مشکور، محمد جواد، «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»، چاپ هشتم، شرق، ۱۳۸۰.

۳۸. مصباح، محمدتقی، «ایدئولوژی تطبیقی»، چاپ اول، در راه حق، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی، «تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر»، برگرفته از مجموعه مقالات برگزیده همایش تربیت دینی، مؤسسه امام خمینی (ره) ۱۳۸۸، ص ۲۸.

۴۰. مایکل کوک، «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» مترجم: احمد نمایی چاپ چهارم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.

۴۱. نوری، میرزا حسین، «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، ج ۱۲.

۴۲. Aquinas, Summa Theologiae, vol. ۳۴, p. ۲۷۱f. art. ۲- Cambridge University Press.

۴۳. G. Blanc, "Correction Fraternelle" in: Dictionnaire catholique (Paris: [s. n.], ۱۹۰۳-۱۹۵۰), and Joseph A. Costello, Moral Obligation of Fraternal Correction, Catholic University of America Studies in Sacred Theology ; ۲d ~cr., no. ۲۷ (Washington, DC: Catholic University of America Press, ۱۹۴۹).

۴۴. (Bibliography: j. costello, Moral Obligation of Fraternal Correction (Washington ۱۹۴۹). h. davis, Moral and Pastoral Theology, rev. and enl. ed. by l.w. geddes (New York ۱۹۵۸) ۱:۳۲۷-۳۳۰. j. aertnys and c. a. damen, Theologia moralis, ۲ v.)

۴۵. Joseph A. Costello, Moral Obligation of Fraternal Correction (Washington ۱۹۴۹). h. davis, Moral and Pastoral Theology, rev. and enl. ed. by l.w. geddes (New

